



داستان ۱۲ ساعت از یک عملیات

دویست و هشتادمین شب سال / مرجان پورغلامحسین

نمایش «دویست و هشتادمین شب سال»، کاری از گروه تئاتر پویه، به نویسندگی و کارگردانی مرجان پورغلامحسین از ۱۹ بهمن ماه تا ۲۵ اسفندماه هر روز ساعت ۱۹ با مدت زمان ۴۰ دقیقه و قیمت بلیت ۱۲۰ هزار تومان در سالن سایه مجموعه تئاتر شهر روی صحنه است. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «عملیات کربلای چهار در میانه جنگ ایران و عراق در تاریخ سوم دی ماه سال ۱۳۶۵ در منطقه آروند با هدف فتح بصره اجرا شد. این عملیات تا اتمام پنج دی ماه ادامه پیدا کرد. «دویست و هشتادمین شب سال»، داستان ۱۲ ساعت از این عملیات است. «این اثر تنها نمایشی بود که در نوزدهمین جشنواره بین المللی نمایش های عروسکی تهران - مبارک باتوجه به استقبال خوب تماشاگران برای سه سانس متوالی روی صحنه رفت.



آسیب های جنگ

شاعر شهر / نشاط میرمهدی

نمایش «شاعر شهر» به نویسندگی و کارگردانی نشاط میرمهدی و تهیه کنندگی نورالدین حسینی ماهر از ۱۸ بهمن ماه تا ۲۵ اسفندماه هر روز ساعت ۱۸ و ۱۵ دقیقه با مدت زمان یک ساعت و ۱۵ دقیقه با قیمت بلیت ۲۰۰ هزار تومان در تالار حافظ روی صحنه می رود. بازیگران این اثر نمایشی حمیدرضا محمدی، امیر حسین طاهری، حامد مهدی نژاد، ندا قهرمانپور، آتنا نیکام و سورن بیات هستند. در خلاصه داستان این اثر نمایشی آمده است: «استوار لومن که قبیل از رفتن به جنگ شاعری مشهور بوده به شهرش برمی گردد». این نمایش براساس «ببرون پشت»، اثر ولفگانگ بورشرت، شعر منظوم «گمشدن هاله» اثر شارل بودلر و انجیل متی (باب ۲۷)، نوشته شده است. در خلاصه داستان «ببرون پشت در» آمده است: «یک گروه بان ارتش هیتلر در جبهه های جنگ در شوروی شان. شان به میهن خود بازمی گردد. او که سختی ها کشیده، با چنان چشم اندازی در میهن رو به روی می شود که به چشم های خود باور نمی کند.»



حکایت حمام فین به روایت جن جین

فین جین / محمود موسوی

«فین جین»، نام نمایشی به نویسندگی ابوالفضل حاجی علی خانی، کارگردانی محمود موسوی و تهیه کنندگی محمود مداحی است که از ۱۸ بهمن ماه تا ۲۰ اسفندماه هر شب ساعت ۲۱ و ۱۵ دقیقه با مدت زمان یک ساعت و ۲۰ دقیقه در عمارت نوفل لوشاتو روی صحنه می رود. در خلاصه داستان «فین جین»، از حکایت حمام فین به روایت جن جین یاد شده است. ابوالفضل حاج علی خانی، در مقام نویسنده و کارگردان برای مطرح کردن داستان زندگی و قتل امیرکبیر دست به نگارش یک کمدی ترازدی زده است. او از منظر جن ها و همکاری اجنه حمام فین با انسانی که نگهبان آنجاست دست می بزند. نمایش کمدی نیز داشته ماجرا برای آن من به صحنه می کشد. هر چند تولیداً یادآوری ماجرای قتل امیرکبیر آرسوزی اجنه خود ترازدی اسفنجاری است.

اشاره می کند و معتقد است آن انسان هایی که از قوی ترین ارتش دنیا نهراسیدند، از زمان و مکان متداول تاریخی (زمان کثیف) گسیخته بودند و در زمانی خارج از زمان (زمان لطیف) به سر می بردند. آنان از این عالم بریده بودند و در ملکوت سیر می کردند. انقلاب ایران، نتیجه تسلیم ارتش به ملکوت بود. حکومت شاه، ایرانیان را دچار غربتی وجودی کرده بود و آنان در خانه خود در تبعید به سر می بردند. انقلاب بازگشتی به شرق، به وطن مألوف بود. انقلاب ایران نظیر هر خردادی، ناگهانی و حیرت آور بود و خارج از ایران و در بیرون از نظام باورهای تشیع امکان وقوع نداشت. او به پیرون کربلایی باورهای مردم اشاره می کند و می نویسد ماخذ و مرجع انقلاب ایران، غزوات پیامبر نبود، بلکه کربلا بود. کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا. انقلاب نزد مردم ایران، تکرار کربلا بود، بنابراین آن ها در جستجوی زندگی و در ترس از مرگ نبودند، بلکه مسئله شان، عشق، آرزو و هستی بود؛ زندگی فقط آن گاه معنایی دارد که رهشای کنی. انقلاب ایران نه شباهتی به قبلی ها داشت، نه شباهتی به بعدی ها خواهد داشت. انقلاب ایران ناهمگنی در میان ناهمگن ها بود و برای قدرت های بزرگ هم غیر قابل تحمل تر از انقلاب های دیگر بود؛ انقلابی از هر نظر غیر قابل معرفی.

مریفات ترکیبی

نیک کدی

جامعه انقلاب خیز ایران

رهیافت های ترکیبی، عموماً استناد به یک عامل ویژه در تبیین پدیده های اجتماعی را خطایی روش شناختی می دانند، حال آن که مخالفان این نظریات، بر آنند که ذکر همه عوامل، بدون توجه به وزن و تأثیر آن ها و بدون بهره گیری از نظریه ای خاص، اولاً تحقیق را از صورت علمی خارج می کند و امکان رد یا پذیرش آن را ناممکن می کند و ثانیاً متن را به روایتی توصیفی - تاریخی و نه تحلیلی نظام مند از داده ها و نتایج بدل می کند. این ایرادی است که بسیاری به کتاب نیک کدی درباره انقلاب ایران: «ریشه های انقلاب ایران» وارد می دانند کتابی که در سال ۱۹۸۱ م چاپ شد و بعدها با افزودن فصلی تحت عنوان «نتایج انقلاب ایران» بازنویسی شد. کدی آشکارا در آغاز کتاب، می نویسد که انقلاب ایران انقلابی مذهبی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، مجموعه ای از همه این ها بود. به همین دلیل، او این عوامل را در طول تاریخ معاصر ایران (از قرن نوزدهم میلادی و آغاز رویارویی اجتناب پذیر ایران با غرب) بررسی می کند و با مفروض گرفتن انقلاب خیز بودن جامعه ایرانی، عواملی خاص ایران نظیر واکنش هویت فرهنگی قدرتمند ایران به حضور امپریالیسم، ثنویت گرایی ذهنی در ایران و نقش ویژه علمای شیعی و عواملی عمومی نظیر تکیه حکام به پدیده ها و قدرتهای خارجی و وضعیت خاص اقتصادی را در این زمینه قابل اعتنا می داند. کدی پس از اشاره به این نکات کلان، به توصیف شرایط تاریخی در تاریخ معاصر ایران می پردازد و کودتای ۱۳۳۲ را سرآغاز دیکتاتوری مطلقه محمدرضا می داند. او به عوامل فراوانی نظیر ایجاد ساواک و امنیتی کردن جامعه، شخصیت مستبد شاه، وابستگی روزافزون به آمریکا، سرکوب نیروهای سیاسی چپ و لیبرال و مبارزات امام خمینی، تحمیل الگوهای غربی به جامعه سنتی و اسلامی ایران، شکاف طبقاتی فرایند، تبعات منفی جنون خرید تسلیحات نظامی، نقش گروه های چریکی و مبارزات روشنفکرانی چون شرعیتی در بسج افکار علیه حکومت، ارزیابی نادرست شاه از برنامه حقوق بشر کارتر و مقاله توهمین آمیز روزنامه اطلاعات به عنوان عوامل شکل دهنده و تسریع کننده انقلاب ۵۷ اشاره می کند.

جان فوران

توسعه و وابسته، دولت بسته، نظام جهانی و افول اقتصادی

تدا اسکاچپول معتقد بود انقلاب ها ساخته نمی شوند، بلکه می آیند. او که از مهم ترین نظریه پردازان نسل سوم تنوری های انقلاب بود، بعدها در قبال انقلاب ایران، مجبور شد تغییراتی در نظریه خود بدهد؛ تغییراتی که باعث شد جان فوران در سال ۱۹۹۳ به طرح این پرسش بپردازد که آیا لازم نیست از نسل چهارم نظریات انقلاب رومانی کنیم؟ پاسخ فوران به این امر مثبت بود و او خود در تحلیل انقلاب ایران دست به تحلیلی ترکیبی با توجه به دو عامل که در نظریات پیشین کمتر مورد توجه قرار می گرفتند؛ نقش عامل و عناصر انسانی انقلاب ساز و نقش ایدئولوژی و فرهنگ در انقلاب ها و سایر عوامل پیشین زد. به نظر فوران در انقلاب ایران به مثابه نخستین مصداق نظریه خود در جهان سوم، تقارن چهار عامل یعنی توسعه وابسته، دولت بسته و سرکوبگر، گشایش در نظام جهانی و افول اقتصادی باعث ظهور بحران انقلاب شد و وقتی فرهنگ سیاسی مخالفت و مقاومت در درون جامعه شکل گرفت و بازیگران را به ائتلاف علیه دولت سوق داد، انقلاب ایران به پیروزی رسید. فوران بحث «انقلاب دهقانی» اسکاچپول را کنار گذاشت، دو عامل عاملیت انسانی و ایدئولوژی را وارد معادله کرد و نقش عوامل بین المللی در بروز انقلاب را رسمیت بخشید. جان فوران در کتاب «مقاومت شکننده» تاریخ ایران از دوران صفویه را می کاود و از این منظر کتاب او شباهت هایی با کتاب کدی دارد، اما واقعیت امر آن است که غنای تحلیلی و نظم روشی حاکم بر کتاب و مقالات فوران، بسیار از کدی جلوتر است و با وجود انتقاداتی که بدان وارد شده است، نمی توان آن را توصیفی تاریخی و غیر تحلیلی دانست. نظریه فوران، بانی تازه روی نظریات انقلاب گشود و اگر چه در مضمون هیچ شباهتی به نظریه لیلی عشقی نداشت، اما در توصیه به لزوم ایدئولوژی نظریات نوین برای فهم انقلاب های غیر غربی، با او هم آواز بود.

فرخ مشیری

چرخه انقلابی رونق و رکود



فرخ مشیری در کتاب «دولت و انقلاب اجتماعی در ایران: چشم اندازی نظری» که علی مرشدی زاد آن را به فارسی ترجمه کرده است، از نظریه روان شناختی «محروریت نسبی» تد را بر ت گر استفاده کرده است. به نظر «گر»: «پیش شرط لازم برای ستیز خشونت بار مدنی، وجود محروریت نسبی است که به صورت احساس بازیگران مبنی بر وجود اختلاف میان توقعات ارزشی خویش با قابلیت های ارزشی ظاهری محیط تعریف می شود. توقعات ارزشی، آن دسته از کالاهای و شرایط زندگی است که مردم خود را به حق شایسته آن می بینند. قابلیت های ارزشی اشاره به اموری دارد که عمدتاً در محیط اجتماعی و فیزیکی باید آن ها را سراغ گرفت.» بنابراین طبق این نظریه، وقتی در جامعه دهه ۵۰ و به واسطه با لاف قیمت نفت پس از جنگ اعراب و اسرائیل و شرایط ویژه خاورمیانه، سپس آن رونق متوقف شود (نظیر ایران پس از صلح اعراب و اسرائیل و در سال های پایانی حکومت پهلوی)، مردم همچنان منتظر بهبود وضعیت خود هستند و با عدم ایجاد چنین اموری، میان توقعات آنان و وضعیت موجود فاصله ای ایجاد می شود که دستمایه کنش های انقلابی است. مشیری البته خود، به این امر واقف نیست که نظریه محروریت نسبی نمی تواند به تنهایی پیچیدگی های انقلاب ایران را باز نماید کند و به همین دلیل از نظریات چالمز جانسون (مفهوم شتاب دهنده ها)، ندا اسکاچپول (تحلیل هم زمان بستر داخلی و ملی) و چارلز تیلی (بسیج و سازمان) نیز به عنوان مکمل های نظریه محروریت نسبی بهره گرفته است. بر این اساس نظر نهایی مشیری از این قرار است: «مجموعه معینی از عوامل بین المللی و ملی باعث خلق میزان بی سابقه ای از تحول اجتماعی در ایران شدند. در نتیجه نه تنها گروه های جدید قدرت و گروه های شغلی ای به وجود آمدند که تعادل سیاسی را بر هم زدند، بلکه در نهایت میان انتظارات ارزشی و توانایی های ارزشی اکثریت ایرانیان، شکافی به وجود آمد که به باز ساختی توده ای انجامید.»

در هیفات فرهنگی

میشل فوکو

انقلاب معنوی علیه نظم جهانی



میشل فوکو در ماه های منتهی به انقلاب ایران، دویار به ایران سفر کرد و گزارش های تمجید آمیز از حوادث ایران به جهان مخابره کرد. مجموعه این مقالات در کتاب «ایرانی ها چه رویایی در سر دارند؟»، به همت نشر هرمس جمع آوری و چاپ شده است. فوکو انقلاب ایران را امری متفاوت با سایر انقلاب های که در جهان غرب رخ داده اند و حتی متفاوت با انقلاب های چین، کوبا یا جنبش ۱۹۶۸ می داند و بر نقش اسلام در ترویج افکار و سازمان دهی جمعی تأکید می کند. او با برجسته سازی نقش «معنویت» در کنش انقلابی مردم ایران، معتقد است از زمان انقلاب فرانسه تا کنون، برای نخستین بار انقلاب و معنویت به هم گر خورده اند. او نقش جهانی نیز برای انقلاب ایران قائل بود: «قیام انسان های دست خالی ای است که می خواهند باری را که بر پشت همه ما، به ویژه بر پشت ایشان، بر پشت این کارگران نفت، این کشاورزان مرزهای میان امپراطوری ها، سنگینی می کند از میان بردارند. بار نظم جهانی را. شاید این نخستین قیام بزرگ بر ضد نظام های جهانی باشد، مدرن ترین و دیوانه وارترین صورت شورش.» او بعدها در مصاحبه ای که با نام «ایران: روح یک جهان بی روح» به چاپ رسید، گفت که این رویداد انقلابی، اراده ای مطلقاً جمعی را نمایان می کند و کمتر مردمی در تاریخ از چنین اقبالی برخوردار بوده اند که بتوانند چنین اسطوره ای را که به نظر تنها ابزاری نظری و نه واقعیتی عینی می رسد، در واقعیت و در عمل تجربه کنند. او با اذعان به این که مردم ایران در قلب اسلام شیعه تجربه ای معنوی برای تغییر کل هستی شان را می یابند، بر لزوم بازخوانی دوباره جمله معروف مارکس، ولی این بار به صورت کامل تأکید کرد: «همیشه از مارکس و آیفین مردم نقل قول می آورند. اما جمله ای که درست پیش از آن جمله وجود دارد و هرگز نقل نمی شود، می گوید که مذهب روح یک جهان بی روح است. پس باید گفت که اسلام در آن سال ۱۹۷۸ اقیون مردم نبوده است، دقیقاً از آن رو که روح یک جهان بی روح بوده است.»

لیلی عشقی

پیوند تشیع عرفانی، ملیت و مذهب عامه



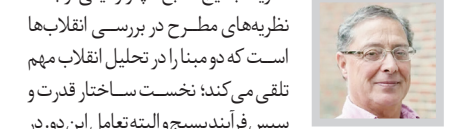
لیلی عشقی ایران شناس مقیم پاریس، در کتاب مهجور اما بدیع خود به نام «زمانی میان زمان ها» که احمد نقیب زاده آن را ترجمه کرده است، انقلاب ایران را از منظری سوبژکتیو و شرایط ذهنی حاکم بر آن تحلیل کرده است و ضمن پذیرش صحت نسبی تحلیل های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی، معتقد است انقلاب ایران به مثابه پدیده ای بسیار خاص، در تاریخ جهان منحصر به فرد بوده است، حال آن که نگرش های ایزیکوئو از درک یکتایی این رخداد عاجزند. او حتی آن دسته نگرش های فرهنگی را که انقلاب ایران را در تضاد سنت، تجدد، مسلمانان و بی دینان خلاصه می کنند، نادرست می داند. به نظر عشقی، حضور همگانی مردم در انقلاب ایران، رمز این انقلاب است: «انقلابی با حضور همه» او بر این رمزگشایی از این حضور، به متافیزیکی ایرانی و عرفان شیعه راجع می کند و می گوید انقلاب ایران جز با پیوند سه شرط بعد عرفانی تشیع، مذهب عامه (عشق) به اتمه و رابطه با کربلا) و مسئله موجودیت ملی ممکن نبود. او به مسئله ملکوت به مثابه محل ثبت رویداد و جایگاه امام در عرفان



اگر چه رژیم شاه به واسطه در آمد فراینده نفتی به نوسازی اجتماعی - اقتصادی کمک کرد و طبقه متوسط جدید و طبقه کارگر صنعتی را گسترش داد، اما نتوانست در سطح سیاسی دست به نوسازی بزند و همین امر باعث لطمه خوردن پیوند بین حکومت و ساختار اجتماعی شد، مجاری ارتباطی نظام سیاسی و توده مردم را مسدود کرد، ارتباطات میان تشکیلات سیاسی با نیروهای اجتماعی سنتی نظیر بازاریان و مقامات مذهبی را ویران کرد و نتیجه این همه، شکاف پرشنده میان دو نظام اقتصادی - اجتماعی توسعه یافته و نظام سیاسی توسعه یافته ای بود که به تلنگر بحرانی اقتصادی در سال ۱۳۵۶، از هم فرو پاشید. بنابراین نه سخن هواداران رژیم پهلوی که معتقدند نوسازی رژیم شاه برای ملتی سنتی گرا، بسیار زیاد و بسیار سریع بود، کامل است و نه سخن مخالفان او که سرعت و گستردگی نوسازی شاه را کافی نمی دانند. این هر دو نظر، بهره ای از حقیقت دارند، اما کامل نیستند. نظر آبراهامیان ترکیبی از این دو نظر است: «انقلاب نه به دلیل توسعه بیش از حد و نه به علت توسعه نیافتگی، بلکه به سبب توسعه ناموزون رخ داد.»

میثاق پارسا

نزاع بازار دولت

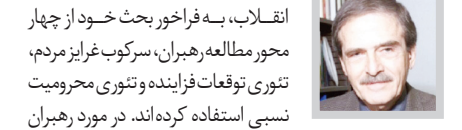


نظریه «بسج منابع» چارلز تیلی از جمله نظریه های مطرح در بررسی انقلاب ها است که دو مینا را در تحلیل انقلاب مهم تلقی می کند؛ نخست ساختار قدرت و سپس فرایند بسیج و البته تعامل این دو. در این شیوه بر منافع، نهادها، ساختارها و فرصت های بروز کنش اجتماعی تمرکز می شود. میثاق پارسا در کتاب «ریشه های اجتماعی انقلاب ایران» (۱۹۸۹ م) ضمن نقد نگرش های مبتنی بر تحلیل انقلاب ۱۳۵۷، به مثابه نوسازی موجد بی هویتی یا تقلیل تضادهای انقلابی به بنیادگرایی اسلامی، مدلی ارائه می دهد که طی آن احتمال رویداد انقلابی هنگامی که دست اندک کاری و دست اندازی دولت در شیوه توزیع سرمایه با لوح فرآیند سازمان یابی گروه ها و طبقاتی که از این دخالت زبان می بینند همزمان می شود، در بیشترین حد خود است و این مسئله را در نزاع بازار و دولت در ایران پیش از انقلاب بررسی می کند. گسترش سریع درآمد نفتی در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، دولت را به بازیگر اصلی پیته اقتصاد ایران تبدیل کرد، به نحوی که دست اندازی مداوم دولت بر توزیع سرمایه، به سیاست زنده شدن اقتصاد انجامید و این امر در کنار اولویت دهی دولت به سرمایه صنعتی در برابر سرمایه تجاری و شیوه های نوین کسب در برابر الگوهای بازار سنتی، اثرات مخربی بر گروه ها و نهادهای اجتماعی مانند بازاریان، کارگران صنعتی، شهر نشینان، بقیه سفید و نیروهای عرفی با مذهبی بر جای گذاشت. بازاریان، بازرگانان، مغازه داران و صنعتگران خرد، طرفدار ناسیونالیسم و لیبرالیسم اقتصادی بودند و در مبارزه با سیاست های کلان اقتصادی و حتی جزئی تر بی نظیر کنترل تورم، دست به مقابله زدند و با بسیج منابع اقتصادی و سیاسی خود به واکنش هایی مقابله جویانه دست زدند. به تعبیر پارسا: «مبارزه مداوم بازاریان، این فرصت را به طبقات اجتماعی و گروه های سیاسی دیگر داد که در مقابل رژیم شاه بایستند. با این حال، بازاریان و روحانیون به خودی خود نمی توانستند دولت را سربگون کنند، کمترین که نتوانسته بودند این کار را در سال ۱۳۴۲ انجام دهند. مشارکت دیگر طبقات اجتماعی برای گذار سیاسی ضروری بود.»

جر هیفات روان شناختی

ماروین زونیس

شاه مردد و فاقد اعتماد به نفس



رویکردهای روان شناسانه، در تحلیل انقلاب، به فراخور بحث خود از چهار محور مطالعه رهبران، سرکوب گرای مردم، تنوری توقعات فرایند و تنوری محروریت نسبی استفاده کرده اند. در مورد رهبران انقلابی و نقش آن ها در پیروزی انقلاب ها، مناقشه فراوان است. عموم چپ گراها انقلاب را جنبش توده های مردم می دانند، اما مورخین راست گرا و محافظه کار، نقش رهبران را برجسته تر می دانند. بر همین اساس آثار فراوانی درباره روحیات روانی رهبران انقلابی نیز نوشته شده است. روان شناسی شاهان شکست خورده و بررسی نقش عوامل روانی در ادبای آنان، اما کمتر مورد توجه بوده است. ماروین زونیس در کتاب «شکست شاهانه» که در سال ۱۹۹۱ م به چاپ رسید، به بررسی روان شناختی شخصیت محمدرضا پهلوی پرداخت و او را به دلیل تربیتش در محیطی زانه در دوران کودکی و نوجوانی و نیز قرار گرفتن در سایه پدری مستبد، شخصیتی مردد و فاقد اعتماد به نفس دانست که به واسطه همین ضعفها در برابر موج انقلاب خود را باخت. زونیس در توضیح چرایی حضور فردر او در سال های قبل اما به نقش افرادی اشاره می کند که به او قدرت روانی لازم برای کسب اعتماد به نفس را می دادند و آنان را رضاشاه، تاج الملوک، ارنست پرورن، اسدالله علم، اشرف پهلوی، اعتماد شاه به بر خورداری از حمایت الهی و تصورش مبتنی بر پشتیبانی جدی آمریکا از او می داند. بنا بر این استدلال، با فو ت فقدان این سرچشمه های قدرت روانی محمدرضا پهلوی و عدم اعتماد کافی او به سایر اطرافیان نظیر فرح و حسین فردوست و با آگاهی از بیماری سرطان خود و تشدید بیماری در ماه های انقلاب، امکانات روانی لازم برای تصمیم و تدبیر در شاه از بین رفته بود، همان گونه که او پیش تر نیز در مواجهه با سیاستمداران استخوان دار نظیر قوام و مصدق، یاد بر بار شکست کودتای ۲۵ مردادماه ۱۳۳۲، راهی جز گریز از میدان مناظره نشناخته و نیافته بود.